

درباره زندگی رفیق شهید حسین رکنی



چریک فدائی خلق، رفیق شهید حسین رکنی در سوم دی ماه سال ۱۳۳۹ در شهر بندرعباس متولد گشت. پدرش یکی از زحمتکشان سخت کوشی بود که دهه ای در بازار بندر عباس داشت و در آن کفش و دمپائی پلاستیکی می فروخت. رفیق حسین دوران دبیرستان را طی می کرد که ایران را جنبشهای توده ای سالهای ۵۷ - ۵۶ فرا گرفت. امری که باعث شد وی همچون بسیاری از جوانان ایران به سیاست کشیده شود و به هواداری از سازمان چریکهای فدائی خلق بپردازد. در شرایط پس از قیام، رفیق حسین، سیاست های سازشکارانه اپورتونیستهای رخنه کرده در سازمان را منطبق با تحلیل ها و پراتیک قبلی سازمان ندانسته و به مخالفت با آنها برخاست.

با شکل گیری مجدد چریکهای فدائی خلق ایران، همراه با تعدادی از رفقا، گروهی ایجاد کرد و به هواداری از چریکهای فدائی خلق و علیه سیاستهای سازشکارانه اپورتونیستهای رخنه کرده در سازمان به فعالیت پرداخت. رفیق حسین رکنی در تمام طول حیات مبارزاتی خویش دمی از تلاش جهت گسترش فعالیت چریکهای فدائی خلق و افشای اپورتونیستها بازناپستاد.

پس از قیام در بندرعباس همچون دیگر شهرهای ایران، طیف وسیعی به هواداری از سازمان برخاسته بودند و با اعلام موجودیت دوباره چریکهای فدائی خلق، گروهها و محافل متعددی در بندر به وجود آمدند که به هواداری از این تشکیلات اقدام نمودند. چرا که این سازمان همچنان خود را مدافع سنتها، ارزشها، تئوری و گذشته سازمان می دانست. رفیق حسین رکنی (با نام تشکیلاتی شاهرخ) خود از تشکیل دهندگان یکی از همین گروهها بود و از جمله رفقائی بود که خیلی زود برای ارتباط با چریکهای فدایی خلق ایران دست به اقدام زد و به کردستان سفر نمود و ارتباطاتی با سازمان برقرار کرد و امکاناتی از کردستان تهیه کرده و به بندرعباس برد.

گروه هواداری که رفیق رکنی در آن فعالیت می کرد، در این برهه یعنی به تاریخ ۲۰ فروردین ماه سال ۵۹ اقدام به مصادره ماشین حامل پول بانک صادرات بندرعباس نمود و هشتصد هزار تومان موجودی آن را به نفع خلق مصادره نمود. در ادامه همین فعالیتها بار دیگر در تاریخ اول تیر ماه سال ۵۹ موجودی ماشین حامل پول بانک صادرات بندرعباس توسط این گروه مصادره شد و رفقا مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ تومان موجودی آن را ضبط کردند. در این عملیات همچنین کلیه افراد محافظ ماشین حامل پول، خلع سلاح شدند.

در این زمان کوششهایی برای متحد کردن همه گروهها و محافل هوادار در بندرعباس آغاز گشته بود و رفیق رکنی نقش فعالی در این میان به عهده داشت. سرانجام همه این گروهها و محافل در جنبش دانش آموزی ۱۹ بهمن متحد گشته و در کنار جنبش دانش آموزی ۱۹ بهمن، هسته های سیاسی - نظامی سازمان داده شد. فعالیتهای گروهها و محافل هواداران و عملیات گروه هواداری که قبلاً رفیق رکنی در آن شرکت و نقش فعال داشت، جو سیاسی بندرعباس را به نفع چریکهای فدائی خلق کانالیزه نمود و با متشکل شدن این گروهها و از بین رفتن پراکندگی موجود، قدرت تبلیغی و رزمی هواداران سازمان در بندرعباس به مراتب بیش از گذشته گشت.

اولین نتیجه این تشکل یکپارچه گروههای هوادار، مصادره ماشین حامل پول نیروی دریائی بندرعباس در تاریخ ۱ دی ۵۹ و ضبط کامل موجودی آن به مبلغ هشت میلیون تومان بود. در این عملیات افراد محافظ ماشین حامل پول خلع سلاح شدند. دو تن از تکاوران محافظ ماشین پول به هلاکت رسیدند و سه قبضه یوزی و دو قبضه کلت کمربندی به غنیمت گرفته شد. متأسفانه در جریان این عملیات رفیق رکنی مورد اصابت گلوله ای قرار گرفت که به سینه اش اصابت نمود و شش هایش را به شدت مجروح نمود. رفیق رکنی را پس از مداوای اولیه به سرعت به تهران منتقل نمودند. در طول سفر، از فرودگاه بندرعباس تا فرودگاه مهرآباد تهران، رفیق علیرغم جراحت بسیار سختی که برداشته بود، کوچکترین نشانه ای از درد و ضعفهای ناشی از خونریزی زیاد، که موجب جلب توجه مزدوران رژیم شود، از خود نشان نداد. خوشبختانه رفیق رکنی زیر نظر بخش پزشکی سازمان در تهران مداوا گشت.

بعد از بازگشت به بندرعباس، رفیق رکنی خیلی زود نقش برجسته خود را به عنوان یکی از فرماندهان هسته های سیاسی - نظامی نشان داد و پس از ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ که رژیم مزدور تشکیلات بندر را زیر ضرب گرفته بود، فعالانه در جهت سازماندهی مجدد هسته های سیاسی - نظامی اقدام نمود.

او بعنوان یک انقلابی حرفه ای، یک چریک فدائی خلق در مقابل انشعاب غیراصولی ای که منشعبین پس از ۳۰ خرداد ۶۰ به سازمان تحمیل کردند، ایستاد و قاطعانه به دفاع از مواضع چریکهای فدائی خلق برخاست و با همه وجود کوشید تا علیرغم شرایطی که انشعاب به وجود آورده بود، ارتباطاتی را که در اثر ضربات پلیس قطع شده بود، مجدداً برقرار سازد، امکانات پراکنده را جمع آوری کند و قدرت آتش هسته های سیاسی - نظامی را مجدداً افزایش دهد.

بدین ترتیب رفیق حسین، در این مقطع بحرانی و حساس نشان داد که با ایمان راسخ به تئوری انقلابی "مبارزه مسلحانه - هم استراتژی، هم تاکتیک" و سازمان انقلابی آن "چریکهای فدائی خلق ایران"، قادر است که در هر شرایط دشواری، با غلبه بر مشکلات، در جهت گسترش هر چه بیشتر مبارزه مسلحانه گام بردارد. رفیق رکنی در عملیات زیادی شرکت داشت که از برجسته ترین آنها میتوان از عملیات های زیر نام برد: مصادره ماشین حامل سلاحهای سپاه پاسداران بندرعباس در تاریخ ۱۰ خرداد ۶۰، که در این عملیات پاسدار منفوری به نام "ذاکری" که محافظ ماشین حامل سلاح بود، به هلاکت رسید. اعدام انقلابی دو پاسدار منفور به نام های "عبدالصمد شمشیری" و "محمد ثقای" در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۶۰ در مقابل ساختمان اصلی سپاه پاسداران بندرعباس. عبدالصمد شمشیری پاسدار منفوری بود که به دلیل سازماندهی باندهای سپاه در بندرعباس و به شهادت رساندن "صنم قریشی" که یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران بود، به بدنامی شهره بود. جالب توجه است که در آن زمان سازمان مجاهدین خلق طی اعلامیه ای این اعدام انقلابی را عملی "آنارشیستی" خواند. اعدام انقلابی "یوسف دقت"، عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و رئیس روابط عمومی سپاه پاسداران بندرعباس در تاریخ ۲۲ مرداد ۶۰.

سرانجام رفیق حسین رکنی (شاهرخ) در تاریخ ۲۸ آبان ۶۰، در یک درگیری نابرابر خیابانی با پاسداران امپریالیسم در بندرعباس به شهادت رسید. رفیق رکنی در طی این درگیری بار دیگر عزم استوار و اراده آهنینش را در راه رهایی پرولتاریا و خلقهای سراسر ایران به نمایش گذاشت.

جریان درگیری خیابانی رفیق رکنی خود گویای جسارت و شهامت رفیق است. در تاریخ ۲۷ آبان ۶۰ یک سلول انتشاراتی در بندرعباس مورد شناسایی مزدوران رژیم قرار گرفت و پاسداران، خانه مزبور را مورد حمله قرار دادند. در نتیجه منطقه کاملاً میلیتاریزه شد. صبح روز بعد رفیق رکنی که در همان منطقه با رفیق شهید "احمد پیل افکن" و یکی دیگر از رفقا قرار داشت، به سر قرار میروند. رفقا چندان از هم فاصله نگرفته بودند که رفیق رکنی در حلقه محاصره پاسداران قرار می گیرد و شروع به تیراندازی می کند که در نتیجه آن یک پاسدار به هلاکت می رسد و دو مزدور دیگر زخمی می شوند، ولی متأسفانه رفیق رکنی مورد اصابت گلوله قرار می گیرد و به شهادت می رسد. در همین زمان دو رفیق دیگر برای رهانیدن رفیق رکنی از حلقه محاصره خود را به منطقه درگیری می رسانند و با پاسداران درگیر می شوند که رفیق احمد پیل افکن مورد اصابت گلوله پاسداران قرار گرفته و در حالی که شعار می داده "زنده باد خلق"، "زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است"، "درود بر رفیق اشرف دهقانی"، به شهادت می رسد. رفیق سوم پس از درگیری با مزدوران و با حمایت مردم به سلامت از منطقه درگیری دور می شود.

به این گونه بود که رفیق رکنی (شاهرخ) به پیمانی که با خلق خویش بسته بود، تا آخرین لحظه وفادار ماند و با نثار خون خویش در جهت بارور کردن درخت تناور انقلاب ضد امپریالیستی خلقهای ایران گام برداشت.

باد رفیق حسین رکنی جاودان و راهش بر رهرو باد!